

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه اشکالات محقق ایروانی(قده)

اشکال سوم بحث در اشکالاتی بود که مرحوم محقق ایروانی بر مرحوم شیخ وارد کردند. دو اشکال را گفتیم که برخی از آنها را جواب دادیم و برخی را پذیرفتیم. اشکال سوم که مرحوم ایروانی کرده - و این اشکال یک اشکالی است که بدواً به ذهن می‌رسد - این است که مرحوم شیخ وقتی اقسام را چهار قسم کردند، به قسم دوم که می‌رسند یعنی آنجایی که فعل یک شخصی سبب حرام برای دیگری باشد، **کمن قدم الي غيره محرما** کسی یک شیء حرامی را به دیگری تقدیم کند این یک مثال، مثال دوم را به مانحن فیه مثال زده‌اند که بحث بیع دهن متنجس است، اگر کسی دهن متنجس را به مشتری بفروشد بدون این که به مشتری اعلام کند که این دهن، متنجس است، شیخ می‌خواهند بفرمایند که این هم از موارد سبب است این هم از مواردی است که کسی طعام محرمی را به دیگری تقدیم کند.

اما وقتی به قسم چهارم رسیدند که قسم چهارم این است که فعل یک شخصی نسبت به دیگری از قبیل عدم المانع است این دو صورت فرمودند: یک صورت این است که فرمودند تارة در حق فاعل و مباشر، عنوان حرمت فعلیه را دارد، و اخري این است که در حق فاعل، عنوان حرمت فعلیه ندارد. آنوقت برای این قسم دوم از صورت چهارم باز فرمودند «**ما نحن فيه**» هم از این قبیل است. یعنی اشکالی که به مرحوم شیخ وارد می‌شود این است که شما «**ما نحن فيه**» را هم از قسم سبب قرار دادید و هم از قسم عدم المانع قرار دادید. - این نکته را دقت کنید که بعضی از نکات این چنینی را همین حالا کنار کتاب مکاسبتان یادداشت کنید که بعد که ان شاء الله می‌خواهید مکاسب را تدریس کنید فایده دارد.

توجیه اشکال توسط مرحوم ایروانی(ره)

اینجا مرحوم ایروانی خودش در صدد توجیه هم بر آمده است. فرموده است که شاید وجه جمع این‌ها این باشد که «**دفع العین من غیر اعلام من قبیل السبب**»، اگر دهن متنجس را بدهد و اعلام نکند که این نجس است این از قبیل سبب است، یعنی از قسم دوم می‌شود. اما آنچه را که از قسم چهارم قرار داده است نفس «**عدم الاعلام**» است، کاری به دفع العین ندارد. یعنی همین که این عین را مشتری خرید و مالک شد اما بایع هیچ حرفی نمی‌زند که این نجس است، همین نفس عدم الاعلام، از قبیل قسم چهارم، یعنی عدم المانع است. «**اعلام**» مانع است، عدمش می‌شود عدم الاعلام، که می‌شود از قبیل عدم المانع.

نقد توجیه ایروانی(قده)

این توجیهی که مرحوم ایروانی کردند با عبارات مرحوم شیخ خیلی سازگاری ندارد، که ما بگوییم «مانحن فیه» اول یعنی دفع العین، «**ما نحن فيه**» دوم یعنی عدم الاعلام، اصلاً اینها دو چیز نیست که ما بخواهیم بین آنها تفکیک کنیم، بلکه یک چیز است «**دفع العین من غیر الاعلام**»، این یا باید از قسم دوم باشد و یا باید از قسم چهارم باشد.

توجیه محقق خوئی(قده)

مرحوم آقاي خوئی(قدس سره) در کتاب مصباح الفقاهة، جلد اول صفحه 204، دو تا توجیه ذکر کرده‌اند. **توجیه اول:** مراد از «ما نحن فيه»، دهن متنجس است، که اگر کسی دهن متنجس را به دیگری فروخت و اعلام نکرد، این همان قسم دوم است که مرحوم شیخ فرمودند که عنوان تسبیب الی الحرام را دارد. اما «مانحن فيه» دوم که مرحوم شیخ در قسم چهارم ذکر کرده، یعنی در عدم المانع، مربوط به ثوب متنجس است که اگر کسی لباس متنجسی را به دیگری داد که نماز بخواند، معیری لباس نجسش را به دیگری عاریه داد تا دیگری استفاده کند و یا نماز بخواند، اینجا گفته‌اند بر معیر لازم نیست که بگوید این لباس نجس است. بگویم این «ما نحن فيه» دوم مربوط به ثوب متنجس است، اما «ما نحن فيه» اول مربوط به دهن متنجس است.

و اما اینکه «ما نحن فيه» دوم مربوط به ثوب متنجس است چون این «و الحاصل» را مرحوم شیخ بعد از آن فتوای علامه(ره) در جواب سید مهنا ذکر کرد، که علامه(قده) فرمود اگر کسی دید دیگری با لباس نجس نماز می‌خواند، از باب نهی از منکر باید به او بگوید این لباس نجس است. شیخ(ره) فرمود «فیه اشکال»، برای اینکه این شخص الان منکری را مرتکب نمی‌شود، چون این شخص الان جاهل است، **لم یرتکب منکرا** تا بگویم نهی از منکر واجب است. این توجیه اول مرحوم آقاي خوئی، که بگویم «مانحن فيه» اول مربوط به دهن متنجس است و «ما نحن فيه» دوم مربوط به ثوب متنجس است.

توجیه دوم فرمودند بگوئیم هر دو مورد از مواردی است که مربوط به دهن متنجس است، بلکه ظاهر عبارت شیخ هم همین است، شیخ(قده) از دهن متنجس بحث می‌کند، بعد می‌گوید «والحاصل ان هنا اقساماً اربعة»، و این کلمه «ما نحن فيه» که در عبارت شیخ(ره) آمده، هر دو مربوط به دهن متنجس است. اما فرقی این است که در قسم دوم مقصود این است که تسبیب لایقاع الجاهل فی الحرام است، این را می‌فروشد برای این که این شخص مرتکب خوردن نجس شود و در حرام واقع شود، اما در قسم رابع کاری به تسبیب ندارد، در قسم رابع بحث از حرمت نفسی است. شاید توجیه دوم مرحوم آقاي خوئی نزدیک باشد به همان توجیهی که مرحوم ایروانی کرد؛ بگویم آنجا که قسم دوم است جهت تسبیبی در کار است، آنجایی که قسم رابع است جهت حرمت نفسی در کار است. یعنی اگر کسی دهن متنجس را به دیگری می‌فروشد، می‌داند که اگر به او اعلام کند، این اعلام مانع می‌شود و عدم الاعلام را دارد، که اینجا بحث حرمت نفسی مطرح است.

نقد توجیه محقق خوئی(ره)

به نظر ما نه توجیه مرحوم ایروانی(قده) و نه دو توجیه مرحوم آقاي خوئی(ره) – که عرض کردم توجیه دوم ایشان، به توجیه مرحوم ایروانی بر می‌گردد - هیچکدامش صحیح نیست. مقصود شیخ(ره) که فرمود قسم دوم این است که فعل یک کسی سبب برای حرام در فعل دیگری باشد و فرمود «ما نحن فيه» از قسم دوم است، «ما نحن فيه» یعنی بیع دهن متنجس بدون این که اعلام کند. اما این که دو مرتبه در قسم چهارم، که بگویم از قبیل عدم المانع است، این عدم المانع تارة در حق مباشر حرمت فعلیه است و تارة در حق مباشر، حرمت فعلیه نیست. آن وقت شیخ(قده) در اینجایی که در حق مباشر، حرمت فعلیه نیست فرموده «ما نحن فيه» از این قبیل است. یعنی اصلاً مطلب خیلی روشن است. ما نحن فيه دو قسمت دارد؛ یک بیع دهن متنجس من غیر اعلام، که این در همان قسمت تسبیب که شیخ(ره) هم فرموده است قرار می‌گیرد، در «مانحن فيه» حرمت فعلیه در حق مباشر نیست. عبارت خیلی روشن است و دیگر نیازی به این توجیهات نیست.

اشکال چهارم محقق ایروانی(ره)

اشکال چهارمی که مرحوم ایروانی دارد اینکه؛ ما قبول داریم که در جایی که یک سبب باشد و یک مباشر و سبب اقوا باشد استناد به سبب اقواست، اما این به تنهایی فایده‌ای ندارد. زمانی که ما می‌توانیم بر این اقوائیت اثر مترتب کنیم که قبلاً بگویم «وقتی می‌گوییم فعلی حرام است، مرادمان مطلق است»، یعنی اعم از تسبیب و مباشر. در تمام ادله اولیه محرمات، یکی از آنها هم «الزمر حرام»، اگر بگویید فقط مربوط به مباشر است، حالا وقتی می‌گویید مربوط به مباشر است و اصلاً سبب را شامل نمی‌شود، شما بگویید استناد به سبب اقواست، این معنا ندارد، چون سبب که حرامی را انجام نداده است، این شخص طعمای یا

خمری را به دیگری تقدیم کرده و دیگری خورده، می‌گویند استناد به سبب اقواست. اگر ما از ادله اولیه محرمات، فقط حرمت مباشری را استفاده کردیم و گفتیم «**الخمر حرام**» می‌گویند آن مباشر فقط مرتکب حرام شده است، این چه فایده‌ای دارد که ما بگوییم استناد به سبب اقواست.

پس این اقوائیت وقتی فایده دارد که ما بگوییم این «**الخمر حرام**» اطلاق دارد، حرمت «**الخمر حرام**» هم شامل مباشر و هم شامل سبب می‌شود. فرموده‌اند «**فیحرم الفعل من السبب أولا وبالذات في عرض حرمة من المباشر**»، لکن قبلاً عرض کردیم و ما هم با مرحوم ایروانی موافقت کردیم که ادله اولیه محرمات، شامل تسبیب نمی‌شود، بلکه فقط شامل مباشر می‌شود، بر خلاف مرحوم آقاي خوئی، که اصرار بر این معنا دارند که وقتی گفته می‌شود «**الخمر حرام**»، عرف فرقی بین مباشر و سبب نمی‌گذارند، عرف می‌گوید چه خودت بخوری، و چه تو سبب شوی که این خمر را به دیگری اشراب کنی. ما به تبع مرحوم ایروانی گفتیم که این ادله اولیه محرمات شامل صورت تسبیب نمی‌شود.

نتیجتاً این که شیخ انصاری(قده) در آخر کلامش در قسمت دوم - که سبب اقوای از مباشر هست - مسأله را به ضمان قیاس کرده و فرموده در آنجایی که یک کسی سبب برای ضرر به دیگری است یک کسی هم مباشر است، مثلاً یک مرد عاقلی چوبی را به یک بچه داد و به بچه گفت برو این شیشه را بشکن، اینجا آن بچه می‌شود مباشر، یا آنجایی که کسی دیگری را هل بدهد و او روی شیشه دیگری بیفتد و شیشه بشکند، مباشر هست، سبب هم هست. در باب ضمان می‌گویند که ضمان مربوط به سبب است، چون استناد اتلاف به سبب اقوی از استناد اتلاف به مباشر است. حرف مرحوم ایروانی این است که اصلاً قیاس ما نحن فیه به مسأله ضمان درست نیست.

در آنجا می‌گوییم «**من اتلف مال الغير**»، الان در سبب صدق اتلاف می‌کند و متلف است اما در ما نحن فیه «**الخمر حرام**» فقط شامل مباشر می‌شود و شامل سبب نمی‌شود. لذا ایشان می‌فرمایند این بیان که ما بگوییم سبب اقوی از مباشر است، فقط در احکام وضعیه مثل ضمانات و اینها راه دارد، اما در احکام تکلیفیه، اقوائیت بدر نمی‌خورد، آنجا می‌گوییم یا دلیل می‌گوید حرمت هم گریبان مباشر را می‌گیرد هم گریبان سبب را و هر دو کار حرامی انجام داده‌اند، یا اینکه دلیل می‌گوید فقط شامل مباشر است و شامل سبب نمی‌شود.

این اشکال مرحوم ایروانی، انصافاً اشکال خوبی است. - یک نکاتی هست که اگر در ذهن خودتان قرار دهید برای اجتهاد خیلی خوب است - در فقه، خیلی جاها برخورد می‌کنید که سبب اقوای از مباشر است. با این بیان، این بحث سبب اقوای از مباشر، در باب احکام وضعیه قرار می‌گیرد، مثل ضمانات حتی در باب دیات و قصاص، آنجا هم ممکن است این را بگوییم، اما در مجرد ثبوت یک حکم تکلیفی، ما تابع دلیل هستیم، دلیل اگر شامل سبب بشود می‌گوییم آنجا هم هست و اگر نشود می‌گوییم آنجا نیست و اقوائیت آنجا تأثیری ندارد.

اشکال مرحوم امام(ره) به مرحوم شیخ(ره)

امام(رضوان الله علیه) هم به این قسمت کلام مرحوم شیخ اشکال کرده‌اند؛ می‌فرمایند اینجا اگر کسی سبب برای حرام در دیگری بشود ما هم قبول داریم که این شخص هم مرتکب حرام شده است، «**اما لا لقوة السبب بل لان مطلق تحریک الغير و امره بالمنکر محرم قبیح**» مطلق تحریک غیر و این که انسان امر کند به این که دیگری منکر را انجام دهد، این عقلاً قبیح و شرعاً حرام است. این هم راجع به بحث اقوائیت سبب از مسبب.

علت طرح این بحث

این بحث، یک بحث مهمی است که شاید هر روزی عده‌ای از مردم مبتلای به این باشند کسی چاقو را به دیگری می‌فروشد و می‌داند دیگری دیگری ممکن است با این چاقو کار حرامی انجام دهد، - البته یک مقدار از این بحث، باید در بحث حرمت اعانت بر اثم مطرح شود، اما دقت کنید که مرحوم شیخ بعنوان یک فقیه می‌فرمایند ببینیم آنطوری که در بین مردم واقع می‌شود

چطور است؟

فرمودند بعضی از آنها علت است، بعضی از آنها سبب است، بعضی شرط است، بعضی عدم المانع است، حکم اینها را بیان کرده است. آیا واقعا اصلاً نیازی به این تقسیم‌بندی وجود دارد؟ – بالاخره اگر کسی یک لیوان آب نجس یا ثوب نجس، به دیگری بدهد یا اگر کسی عصا را به دیگری بدهد تا کسی را بزند، یا در باب تعلیم؛ اگر کسی سحر و جادو را به دیگری آموزش بدهد و دیگری بخواهد در راه حرام استفاده کند، اگر کسی یک عملی را به دیگری یاد بدهد که دیگری بخواهد بعنوان حرام از آن استفاده کند، در جامعه فراوان است. چون بحث خوبی است خود آقایان یک مقدار فکر کنند، باید با فکر حل شود.

تذکر استاد

و این نکته را هم عرض کنم که در فقه کسی می‌تواند خیلی قوی باشد که علاوه بر قدرت فکری، احاطه کامل به روایات داشته باشد. امام (رضوان الله علیه) در این بحث می‌فرمایند: قواعد یک اقتضایی دارند، سراغ روایات که می‌رویم روایات یک اقتضایی دیگری دارد، که نظر ایشان را بعداً بیان می‌کنم. لذا یکی از کارهایی که آقایان باید از حالا داشته باشید و اگر زمان بگذرد دیگر خیلی فایده ندارد، ممارست در روایات است. اصلاً گاهی اوقات یک کتاب روایی را از اول شروع کنید روایاتش را با دقت خواندن و سندش را بررسی کردن و مدلولش را در آوردن، این سبب اقتدار و قوت در فقه می‌شود.